

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه مازندران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان پایان نامه:

تطبیق نظریه دولت اقتدارگرای بوروکراتیک و دولت پهلوی در سال های ۱۳۴۲-۱۳۳۲

Comparison of the theory of Bureaucratic Authoritarian State and Pahlavi government during:
1953-1963

دانشجو: سمیه فرخی

مقطع: کارشناسی ارشد

استاد راهنما:

دکتر مهدی رهبری

استاد مشاور:

دکتر علی کریمی مله

بهار ۱۳۹۰

چکیده

از جمله تئوری‌هایی که در خصوص توسعه در کشورهای جهان سوم ارائه شده است، تئوری دولت‌های اقتدارگرای بوروکراتیک است که توسط گیلرمو اودانل و در توصیف وضعیت توسعه در آمریکای لاتین ارائه شده است. در این نظریه عنوان می‌شود که جوامع توسعه نیافته جهت گذار از وضعیت سنتی و دست‌یابی به مدرنیسم نیاز به یک دولت مقتدر مرکزی و بوروکرات دارند.

براساس تئوری اودانل مشخصات دولت اقتدارگرای بوروکراتیک عبارت است از: کاربرد مؤثر زور در تمامی عرصه‌ها، موفقیت نظام در کاهش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، حاکمیت دیوان‌سالاران، انحصار سیاسی، انحصار اقتصادی، سیاست زدایی و تعمیق سرمایه‌داری وابسته.

از این رو، در این پژوهش مواردی مانند نظامی‌گری، گسترش دیوان‌سالاری و بروز تحولات در بخش صنعت و تجارت، انحصار سیاسی و دفع مشارکت سیاسی مردم به عنوان مشخصات برجسته دولت محمدرضاشاه در دهه ۱۳۳۲-۱۳۴۲ شناسایی شده و با مقایسه میان این دسته از مشخصات با ویژگی‌های حکومت مورد نظر در تئوری اودانل، حکومت محمدرضاشاه در این دهه می‌تواند از جمله مصادیق تئوری مذکور به شمار آمده و یک نمونه از دولت اقتدارگرای بوروکراتیک محسوب گردد.

کلید واژه‌ها: اقتدارگرایی، بوروکراتیک، انسداد سیاسی، انسداد اقتصادی، تعمیق سرمایه‌داری وابسته، سیاست زدایی، ایران، رژیم پهلوی

فهرست مطالب	صفحه
کلیات	
طرح مساله	۲-
ادبیات پژوهش	۵-
فرضیه ها	۱۰-
حدود و اهداف پژوهش	۱۱-
روش پژوهش	۱۲-
الف-تعریف مفاهیم کلیدی	۱۲-
ب-فنون و تکنیک های جمع آوری اطلاعات	۱۶-
ج-سازمان دهی تحقیق	۱۶-

فصل اول : تئوری دولت اقتدارگرای بوروکراتیک

۱-۱ نظریه وابستگی قدیم و جدید	۲۰-
۲-۱ نظریه اودانل	۲۱-
۱-۲-۱ ظهور دولت دیوان سالاری	۲۲-
۲-۲-۱ ویژگی های بارز دولت دیوان سالار اقتدارگرا	۲۴-
- حاکمیت دیوان سالار	۲۵-
- انسداد سیاسی	۲۵-
- انسداد اقتصادی	۲۷-
- سیاست زدایی	۲۸-
- تعمیق سرمایه داری وابسته	۲۹-
۱-۲-۳ نیروهای محرکه دولت دیوان سالار- اقتدارگرا	۳۳-
۱-۲-۴ گونه شناسی نظام های اقتدارگرای بوروکراتیک	۳۷-
- رژیم های اقتدار گرای سنتی ارتجاعی	۳۷-
- رژیم های اقتدار گرای دیوان سالار نوگرا	۳۷-
- رژیم های اقتدار گرای دیوان سالار غیر نظامی	۳۸-

۳۸	-----	رژیم های اقتدار گرای دیوان سالار نظامی
۳۹	-----	۱-۲-۵ عوامل موثر در عملکرد رژیم اقتدارگرای دیوان سالار
۴۰	-----	۱-۲-۶ توان کنترل رژیم های اقتدار گرای دیوان سالار
۴۰	-----	- شرایط زمینه ساز به قدرت رسیدن رژیم
۴۰	-----	- میزان قوت و با ضعف جامعه مدنی
۴۰	-----	- عوامل تکنولوژیک
۴۱	-----	۱-۳ نظریه کاردوزو
۴۴	-----	۱-۳-۱ کاردوزو و الگوی توسعه مقارن با وابستگی
۴۷	-----	۱-۳-۲ کاردوزو و توسعه وابسته در برزیل
۴۸	-----	۱-۳-۳ فعالیت جدید رژیم نظامی در برزیل
۵۰	-----	۱-۴ نظریه ایوانس
۵۵	-----	۱-۴-۱ توسعه وابسته در برزیل
۵۷	-----	۱-۵ نظریه گلد
۵۸	-----	۱-۵-۱ مرحله وابستگی سنتی در تایوان
۵۹	-----	۱-۵-۲ مرحله توسعه وابسته در تایوان
۶۰	-----	۱-۵-۳ مرحله وابستگی پویا در تایوان

فصل دوم: زمینه های تکوین اقتدارگرای بوروکراتیک در سال های ۱۳۲۰-۱۳۳۲

۶۲	-----	مقدمه
۶۳	-----	۱-۲ ایران در کوران جنگ جهانی دوم
۶۴	-----	- اشغال و فترت
۶۶	-----	- مسئله سیاست در این بازه زمانی
۶۷	-----	- اشغال و اقتصاد سیاسی
۶۸	-----	- کاهش ارزش پول ایران
۶۹	-----	- بحران در بورژوازی صنعتی
۷۰	-----	۲-۲ جنبش ملی کردن نفت
۷۱	-----	۲-۳ مصدق، جبهه ملی، ائتلاف جدید مردمی
۷۳	-----	۲-۴ اقتصاد سیاسی دوره زمام داری مصدق
۷۶	-----	۲-۵ شکست نهضت ملی

۷۷	-----	۶-۲ در تکاپو به سوی تکوین دولت اقتدارگرای بوروکراتیک
۷۸	-----	- ایران در نظام جهانی
۸۰	-----	- بحران آذربایجان
۸۱	-----	- تشدید جنگ سرد
۸۵	-----	- پیروزی های جمهوری خواهان
۸۸	-----	- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۸۹	-----	- همانندی کودتای ایران با کودتای شیلی
۹۰	-----	نتیجه گیری

فصل سوم: نظریه دولت اقتدارگرای بوروکراتیک و دولت پهلوی

۹۴	-----	مقدمه
۹۵	-----	۳-۱ دیوان سالاری و قدرت سیاسی
۹۷	-----	۳-۱-۱ بوروکرات های نظامی
۱۰۲	-----	۳-۱-۲ نخبگان تکنوکرات
۱۰۶	-----	۳-۲ اقتدار گرایی
۱۰۹	-----	۳-۲-۱ نظامیان، ابزار و ثبات پایدار دولت اقتدارگرا
۱۱۰	-----	۳-۲-۲ گسترش نیروهای مسلح به منظور ابزار اقتدار گرایی
۱۱۱	-----	- نیروی زمینی، هوایی و دریایی
۱۱۳	-----	۳-۲-۳ ایالات متحده و تقویت اقتدارگرایی شاه
۱۱۳	-----	الف- کمک های اقتصادی
۱۱۴	-----	ب- همکاریهای امنیتی منطقه ای
۱۱۵	-----	ج- کمک های نظامی
۱۱۶	-----	- توسعه ژاندارمری
۱۱۶	-----	- توسعه ساواک
۱۱۷	-----	د- اقدام های اطلاعاتی و فرهنگی
۱۱۸	-----	۳-۳ انسداد سیاسی در دولت محمدرضا شاه پهلوی
۱۲۰	-----	۳-۳-۱ زمینه های انسداد سیاسی
۱۲۱	-----	۳-۳-۲ انسداد سیاسی در جهت تعمیق
۱۲۲	-----	الف- حذف سه منبع مخالف

۱۲۳	ب- نفوذ در مجلس هجدهم
۱۲۴	ج- محاکمه مصدق
۱۲۴	د- قرارداد کنسرسیوم
۱۲۵	۳-۴ سیاست زدایی دولت محمدرضا شاه پهلوی
۱۲۷	۳-۵ انسداد اقتصادی بستری برای تعمیق سرمایه داری
۱۲۸	۳-۶ تعمیق سرمایه داری وابسته
۱۲۹	۳-۶-۱ دولت و رشد و تعمیق سرمایه داری
۱۳۱	۳-۶-۲ برنامه عمرانی دوم
۱۳۴	۳-۶-۳ نظام بانکی
۱۳۶	۳-۶-۴ اصلاحات ارضی
۱۳۷	الف- علل داخلی اصلاحات ارضی
۱۳۸	ب- عوامل خارجی اصلاحات ارضی
۱۳۹	۳-۶-۵ انقلاب سفید
۱۴۰	۳-۶-۶ بورژوازی صنعتی
۱۴۲	۳-۶-۷ ائتلاف با سرمایه خارجی
۱۴۳	- آمریکا
۱۵۳	- آلمان فدرال
۱۵۴	- انگلستان
۱۵۵	- فرانسه
۱۵۶	- ایتالیا
۱۵۷	- بلژیک
۱۵۸	۳-۷. تطبیق سه دوره تعمیق سرمایه داری با تئوری اودانل

فصل چهارم: آسیب شناسی دولت اقتدارگرای بوروکراتیک در ایران

۱۶۵	مقدمه
۱۶۵	۴-۱ نارسایی دیوان سالاری
۱۶۷	۴-۱-۱ ایراد بر تکنوکرات ها و نخبگان سیاسی
۱۶۹	۴-۱-۲ مناسبات قدرت بین شاه و نخبگان سیاسی
۱۷۱	۴-۲ ایراد بر نقش دولت

۱۷۲	-----	۱-۲-۴ شخصی شدن قدرت
۱۷۵	-----	۲-۲-۴ سطح پایین نهاد مندی سیاسی و مدنی
۱۷۸	-----	۳-۲-۴ ناسیونالیسم به مثابه یک ایدئولوژی
۱۸۰	-----	۳-۴ ایراد بر نقش ارتش
۱۸۳	-----	۱-۳-۴ هزینه های هنگفت تسلیحات
۱۸۵	-----	۴-۴ ایراد بر نقش سرمایه خارجی
۱۸۷	-----	۵-۴ ایراد بر نقش سرمایه داخلی
۱۸۸	-----	۶-۴ توسعه وابسته
۱۹۰	-----	۷-۴ ماهیت این ائتلاف
۱۹۵	-----	نتیجه گیری
۲۰۱	-----	فهرست منابع
۲۱۴	-----	چکیده لاتین

کلیات

طرح مسأله ؛

پس از جنگ جهانی دوم و پایان گرفتن دوره گذار از نظام توازن نیروها به نظام دو قطبی، و گسترش بی‌امان اقتصاد سرمایه‌داری به سوی تثبیت سلطه اقتصادی جوامع پیشرفته بر جوامع عقب‌نگاه‌داشته شده و متعاقب آن تغییر در نحوه الگوی سلطه در نظام بین‌المللی از سیاسی به اقتصادی، فرآیند توسعه وابسته در کشورهای جهان سوم تداوم یافت.

در سال ۱۹۵۳ دو رویداد مهم در صحنه روابط بین‌الملل رخ داد که کلیه معادلات قبلی را بر هم ریخت، حادثه اول مربوط به شکست دموکراتها و پیروزی جمهوری خواهان در آمریکا بود که منجر به یک انتقال اساسی در سیاست خارجی آمریکا گردید. روی کار آمدن "آیزنهاور" و به ویژه انتخاب "جان فاستر دالس"، وهمینطور برادرش "آلن دالس" رئیس سازمان سیا که هیستری ضدکمونیستی داشتند. استراتژی انتقام گسترده یا "نگاه نو" را، که در واقع ادامه جدی تر و آشتی ناپذیرتر استراتژی "سد نفوذ" رئیس جمهور قبلی، ترومن بود را مطرح ساختند، که در واقع نقطه عطفی در تقلای آمریکا در بازیابی ابتکار عمل در رویارویی جهانی با اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شد. (Abrahamian, 2001: 25)

براساس این استراتژی گام‌هایی برای کشورهای طرفدار لیبرالیسم، در آمریکای لاتین، خاورمیانه و آسیای شرقی که در پیرامون حوزه نفوذ شوروی و چین بودند با اعطای کمک‌های اقتصادی، امنیتی و نظامی که نقطه ثقل کمک‌های خارجی بود تقویت می شدند. در این برش تاریخی، گرایش به حکومت نظامی در برخی مناطق جهان به عنوان عامل برقراری ثبات سیاسی و اتخاذ سیاست‌های قاطع در برابر کمونیسم و جلوگیری از رفتن این کشور به پشت پرده آهنین ضروری گشت.

با اشغال شدن ایران از سوی نیروهای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ و برافتادن حکومت خودکامه رضاشاه، بار دیگر دگرگونی‌های سیاسی ایران وارد مرحله ای تازه شد که تا کودتای مرداد ۱۳۳۲، دورانی از بی ثباتی و هرج و مرج سیاسی را به نمایش گذاشت، فضای سیاسی ایران در این مقطع زمانی شاهد فترت و حاکمیت دوگانه ای بود که جدال میان دربار و مجلس ویژگی بارز آن به شمار می رفت. روسها براساس تحلیل مارکسیستی خود مبنی بر اینکه نهضت ملی ایران حرکتی بورژوازی بوده و آن را مقدمه ای بر انقلاب کمونیستی می دانستند. انگلیسی ها هم با بزرگ جلوه دادن حضور کمونیست ها که از طریق حزب توده مربوط بودند و با به تصویر کشیدن مصدق به یک فرد "متعصب روبسپیرمآب" و یک فرانگشتین تأسف برانگیز در مجله‌ی "observer" به شدت این حضور افزودند و این باور را در آمریکایی ها به وجود آوردند که حمایت بیشتر از دکتر مصدق موجب افتادن ایران به دامان کمونیسم و رفتن این کشورها به پشت پرده آهنین خواهد شد. در واقع با مطالعه تطبیقی در مورد فرمولی که در کودتاهای ایران و شیلی، برزیل، گواتمالا، تایوان، کره جنوبی و... به کار گرفته شده می توان آنها را بیشتر در قالب جنگ سرد و مقابله با اردوگاه شرقی تحلیل کرد، یعنی تقابل کلاسیک ملی گرایی و امپریالیسم در جهان سوم. (O donnell, 1978:4)

پس از کودتا توازن قدرت به سوی دربار چرخید و به "دوره گذار" پایان داده شد. از کودتا تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، برای ده سال، گفتمان دیگری بر عرصه سیاست و حکومت در ایران شکل می گیرد، که عنوان "سیاست وسلطه اقتدارگرایی بوروکراتیک" داشت. آبشخور دولت اقتدارگرایی بوروکراتیک در رهیافت وابستگی است. این

دوره آغاز ورود از نظام اقتصاد روستایی به اقتصاد سرمایه داری است و ایران در مسیر فراگرد نوسازی و توسعه قرار می گیرد. این دولت با دو وجه اقتدارگرایی و دیوان سالاری اعم از نخبگان و کارمندان، سرمایه داخلی و بین المللی تشکیل شد. در حالی که چنین الگویی بعد از چند دهه در کشورهای آمریکای لاتین و جنوب شرق آسیا با بهره گیری از تضاد دو ابرقدرت "آمریکا و شوروی" توانسته اند به اقدامات چشمگیر در زمینه های مختلف، به خصوص توسعه ی عظیم اقتصادی دست بزنند، اجرای آن در ایران سرانجام نامطلوبی داشته و با شکست مواجه گردید.

چنانچه اشاره شد، به نظر می رسد مسأله اقتدارگرایی و وجود حکومت های اقتدارگرای بوروکراتیک به منظور توسعه و تعمیق سرمایه داری به عنوان یکی از الگوهای غالب در مباحث اقتصاد سیاسی و توسعه در کشورهای موسوم به جهان سوم در طول قرن بیستم، همواره وجود داشته است. از اینرو در این تحقیق در صدد ارائه الگویی مستقل و جدید هستیم که از تعمیم های عام و مجرد به دور است تا بدین منظور بتوانیم رابطه ی اثباتی و سلبی میان اقتدارگرایی دوران محمد رضا شاه و تحولات اقتصادی و اجتماعی را مورد بررسی قرار دهیم. از این رو نگارنده در رساله حاضر می کوشد تا فرضیه فوق را در قالب پرسشی نظیر :

آیا حکومت محمدرضاشاه در بازه زمانی ۱۳۳۲-۱۳۴۲ یک دولت اقتدارگرای بوروکراتیک (مدل اودانل) بود؟

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی:

ماهیت و عملکرد دولت پهلوی در سال های ۱۳۳۲-۱۳۴۲ تا چه اندازه با نظریه ی "دولت اقتدارگرای بوروکراتیک" که نخستین بار توسط مکتب وابستگی جدید به ویژه اودانل مطرح می شود، همخوانی دارد؟

سوالات فرعی:

- ۱- زمینه های شکل گیری دولت اقتدارگرای بوروکراتیک در سالهای ۱۳۴۲-۱۳۳۲ دوره پهلوی چه بوده است؟
- ۲- دولت پهلوی در سال های ۱۳۴۲-۱۳۳۲ به عنوان یک دولت اقتدارگرای بوروکراتیک، به منظور پیشبرد برنامه توسعه اقتصادی کشور به ائتلاف با چه گروه هایی پرداخت؟
۳. دولت اقتدارگرای بوروکراتیک پهلوی در سالهای ۱۳۴۲- ۱۳۳۲ با ائتلاف با چه گروه هایی، مجاری دسترسی عامه ی مردم به سیاست را بست؟
۴. موتور محرکه ی سیاست تعمیق سرمایه داری وابسته که با ظهور دولت اقتدارگرای بوروکراتیک متناظر است، در دولت پهلوی بر کدام پایه تکیه داشت؟
۵. دلایل شکست و ناکامی دولت اقتدارگرای بوروکراتیک پهلوی در سالهای ۱۳۴۲-۱۳۳۲، چه بود؟

۲- ادبیات پژوهش

درباره موضوع پایان نامه منابع مختلفی نوشته شده است که ارتباطی دور یا نزدیک با آن دارند و هرکدام، به بخشی از مسائل مربوط به آن پرداخته و یک یا چند متغیر مرتبط را مورد بررسی قرار می دهند. ادبیات مربوطه در چند دسته قابل تقسیم بندی اند:

الف- منابعی که در خصوص دولت اقتدارگرای بوروکراتیک به طور کلی بحث کرده اند:

* "مایرون واینر و ساموئل هانتینگتون" در کتاب (درک توسعه سیاسی)، به تحقیق در خصوص رژیمهای اقتدارگرای بوروکراتیک می پردازند که با نوعی خودکامگی همراه با رویکرد تکنوکراتیک - بوروکراتیک و غیرشخصی در امر سیاست سازی و حل مسائل کشور همراه هستند، و اینگونه رژیمها را از رژیمهای اقتدارگرای پادشاهی یا رژیمهای بسیج گرای فاشیستی یا مارکسیستی- لنینیستی متمایز می دانند.

* "آلوی.ی سو" در کتاب (تغییرات اجتماعی و توسعه) با رویکردی تطبیقی، سه پارادایم فکری عمده توسعه، یعنی مکتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی را مورد بررسی قرار داده است. آلوی سو با عنایت به تحولات تاریخی و بررسی نمایندگان شاخص این مکتب ها، مکتب وابستگی را به دو نحله مطالعات سنتی و جدید تقسیم کرده، که در وابستگی جدید به بحث دولت اقتدارگرای بوروکراتیک با تمرکز بر آرای اودانل و کاردوزو می پردازد.

* "کاردوزو" در کتاب (Associated-dependent development) بسیاری از پذیره های اصلی مطالعات سنتی وابستگی را مورد جرح و تعدیل قرار می دهد. کاردوزو، توسعه مقارن با وابستگی را مطرح می کند و در پرتو متدولوژی تاریخی - ساختی معجزه جنوب شرق آسیا را در چارچوب ظهور یک دولت اقتدارگرای بوروکراتیک توضیح می دهد.

* "گیلرمو اودانل" در کتاب (Modernization and bureaucratic authoritarianism) ظهور دولت های اقتدارگرای بوروکراتیک را واکنشی در قبال بحران های اقتصادی - سیاسی سرمایه داری وابسته در آمریکای لاتین در دوره ی پس از جنگ جهانی دوم می داند. و با برشمردن پنج شاخصه ی اصلی این دولت، آن را از دیگر اشکال سلطه سیاسی نظیر اقتدارگرایی سنتی و فاشیسم متمایز می کند.

* "پیتر ایوانس" در کتاب (State, local and multinational capital in Brazil) به بررسی رابطه توسعه وابسته و "ائتلاف سه گانه" میان سرمایه بین المللی، سرمایه محلی و بخش کارفرمایی سرمایه داری دولتی که آن را یک "مشارکت پرقرار و پرتنش" *^۱ می داند، می پردازد.

* "توماس گلد" در کتاب (State and society in the Taiwan miracle) همان مسیر مطالعات توسعه وابسته کاردوزو، دولت دیوان سالار - اقتدارگرای اودانل و ائتلاف سه گانه ایوانس را دنبال می کند. اما به جای

1. Uneasy partnership

تحقیق در بی ثباتی اقتصادی و هرج و مرج سیاسی، به تلاش برای تبیین توسعه معجزه آسای تایوان دست زده است.

ب- بخش دیگر ادبیات پژوهش منابعی است که در خصوص ماهیت دولت پهلوی نوشته شده است. این منابع خود در چند دسته قرار می گیرند:

*فرد هالیدی در کتاب "دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران" از دوره محمدرضاپهلوی با عنوان "دیکتاتوری توسعه" نام میبرد، که با انجام کارویژه های اقتصادی خود و اضمحلال صورت بندی اقتصادی ما قبل سرمایه داری و شکل گیری نظام اقتصاد سرمایه داری مدرن در ایران؛ نقشی اساسی در پیشبرد و گسترش روابط سرمایه داری ایفاء می کند.

*خوان لینز در دهه ی هفتاد در مقاله ای تحت عنوان "نظام های توتالیتر و اقتدارگرا" واژه سلطانیسم را برای گونه شناسی آن دسته از رژیمهایی که از رژیمهای اقتدارگرا و توتالیتر کاملاً متمایز به نظر می رسیدند، به کار بست. و معتقد است که ماهیت دولت ایران در دوره تاریخی ۱۳۲۰-۱۳۱۲ و بازه زمانی ۱۳۵۶-۱۳۴۲ ماهیت پاتریمونیال دارد.

*سعید حجاریان در مقاله "ساخت اقتدار سلطانی، آسیب پذیرها و بدیل ها" استدلال می کند که نظام سلطانی بیش از هر نظام دیگری در مقابل سرنگونی انقلابی آسیب پذیرند. سرنگونی برخی از رژیمهای سلطانی مانند: نظام پهلوی در ایران، سوموزا در نیکاراگوئه و باتیستا در کوبا توسط حرکت های انقلابی این ایده را تقویت می نمایند. و با برشمردن خصوصیات رژیم پهلوی از جمله ویژگی های خاص حزبی، دودمان پرستی و فساد گسترده، آن را به عنوان نظام نئوپاتریمونیال معرفی می کند.

*آبراهامیان در کتاب "ایران بین دو انقلاب" ضمن بررسی ساختار دولت پهلوی، معتقد است که تا پایان دهه ۱۳۳۰ به استثنای دوره بین ۱۳۴۰-۱۳۳۰ ساخت قدرت یکنواخت بوده و مشخصه ی آن هم سلطانیسم (نئوپاتریمونیالیسم) بود. اما با بحرانی که دولت پهلوی در سالهای ۳۹-۴۲ با آن مواجه شد و منجر به اصلاحات

ارضی گشت حرکت از سلطانیزم به وجوه دیگر ساخت نئوپاتریمونیالیستی قدرت یعنی کلاینتالیسم و کورپوراتیسم صورت گرفت.

* ویلیام شوکراس در کتاب "آخرین سفرشاه" معتقد است که ساختار قدرت در دوره ی پهلوی پاتریمونیال است. از نظر او موفقیت شاه در تجدید ساخت پاتریمونیالیس در دو چیز است: ۱- اقتدار جامعه ایران ۲- نقش دستگاه حکومتی و نخبگان وابسته به کانون قدرت که خود مروج شاه پرستی بودند.

* جیمز بیل و کارل لیدن در کتاب "Politics in The Middle East Boston" دولت پهلوی را به خاطر دارا بودن ویژگی هایی چون شخص گرایی، تفرقه اندازی، رقابت ناصحیح، عدم اعتماد به دیگران و تصمیم گرایی غیر عقلانی، به مثابه یک دولت با ماهیت پاتریمونیال ارزیابی می کنند.

* آپتون در کتاب "The history of modern Iran" از دولت پهلوی به عنوان یک دولت "نظامی نوگرا" یاد می کند و دولت اقتدارگرای پهلوی را کفاره ی تأخیر ورود ایران به عصر تجدد می داند. که از بسیاری جهات، ایدئولوژی حاکم بر آن نیز به سیاق دولتهای اروپایی در قرن هجدهم نوزدهم، ناسیونالیسم است.

* احمد اشرف در کتاب "فقدان فئودالیسم اروپایی در ایران" را حاصل حضور عامل سلطنت موروثی می داند که به جای ایجاد گروههای مستقل و قدرتمند، نظام زمینداری و بوروکراتیک را به وجود آورد. او به پیروی از ماکس وبر معتقد است ساختار سیاسی موروثی- آسیایی که بر زمینداری بوروکراتیک تسلط داشت و کشاورزی و تجارت را کنترل می کرد مانع تکامل سرمایه داری می شد.

* همایون کاتوزیان در مقاله ای تحت عنوان "نظام پهلوی در ایران" تلاش کرده است کاربست نظام های سلطانی، در خصوص دولت پهلوی را به آزمون بگذارد. کاتوزیان نظریه سلطانی را در توصیف مقطع زمانی ۱۳۱۲-۱۳۲۰ (زمان رضاشاه) و ۱۳۴۲-۱۳۵۶ (زمان محمدرضاشاه) به کار برده است. پیش از آن، وی این دو مقطع زمانی را به ترتیب تحت عنوان شبه مدرنیسم استبدادی و شبه مدرنیسم استبداد نفتی مورد بررسی قرار داده بود.

*ماروین زونیس در کتاب "شکست شاهانه" علت توسل شاه به نظام پاتریمونیالیسم ایران باستان را تقویت پایگاه نظام سلطنتی‌اش می‌داند زیرا او از قداست رهبری نزد ایرانیان به خوبی مطلع بود و هدفش تجدید فرمانروایی مطلق کوروش و داریوش متکی بر غرایز ریشه داری بود که ساختار روانی ایرانیان را تشکیل می‌داد.

*کاظم علمداری در کتاب "حامی پروری مشخصه قدرت" از تلاش رژیم شاه در سالهای پایانی حکومت برای گشودن فضای باز سیاسی، به نوع دیگری از دولت بیمارگون مدرن در ایران می‌پردازد که قرینه‌های فراوانی در سراسر جهان دارد. الگوی مذکور که کلینتالیسمی حامی پروری خوانده می‌شود اشاره به نوعی تبادل نابرابر اقتصادی-سیاسی دارد.

* محسن میلانی در کتاب شکل‌گیری انقلاب اسلامی (از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی) از دولت پهلوی به عنوان نخستین دولت نوساز و اصلاح طلب ایرانی عنوان می‌کند، که به گونه‌ای منسجم، جدی و سازمان یافته؛ ایران را از کشوری واقع در مناطق پیرامونی و یا عمدتاً خارج از دایره‌ی اقتصاد جهان سرمایه داری به موقعیت کشور حاشیه‌ای و ادغام شده در این نظام تبدیل نمود.

*علیرضا ازغندی در "کتاب تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران" به بازسازی دولت مطلقه می‌پردازد. درباره سلطنتی با تکیه بر ارتش و بوروکراسی و درآمدهای نفتی و به بهانه ضرورت اصلاحات اقتصادی-اجتماعی و وحدت سیاسی، کوشش‌های دامنه داری در راستای تکوین مجدد دولت مطلقه از خود نشان داد.

ج- پژوهش‌های انجام شده در تطبیق دولت اقتدارگرای بوروکراتیک در ایران :

هر کدام از منابع فوق با پرداختن به بخشی از موضوع پژوهش، اگرچه به بیان برخی زوایای آن پرداخته‌اند اما هیچ‌یک مستقلاً به تطبیق نظریه دولت اقتدارگرای بوروکراتیک و یا بررسی نظری تحولات سالهای ۱۳۴۲-۱۳۳۲ را در مظان پژوهش خود قرار نداده، بلکه همچون موارد بالا در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۲۰ بوده است. با این ملاحظات به نظر می‌رسد نیاز به انجام تحقیقات بیشتر و رفع خلأهای پژوهشی موجود، ضرورت مطالعه و بررسی بیشتر را ایجاب می‌کند که این تحقیق عهده دار انجام بخشی از این مهم می‌باشد.

۳- فرضیه‌ها

فرضیه اصلی:

ماهیت و عملکرد دولت پهلوی در سال های ۱۳۴۲-۱۳۳۲ با نظریه‌ی "دولت اقتدارگرایی بوروکراتیک" تطابق زیادی دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- زمینه‌های شکل‌گیری دولت اقتدارگرایی بوروکراتیک در سالهای ۱۳۴۲-۱۳۳۲، همزمان با کشورهای آسیای شرقی و آمریکای لاتین را می‌توان به سیاست خارجی آمریکا در خصوص مبارزه با کمونیسم نسبت داد.
- ۲- دولت پهلوی در سالهای ۱۳۴۲-۱۳۳۲ به عنوان یک دولت اقتدارگرایی بوروکراتیک، به یک ائتلاف اقتصادی، که متشکل از دولت، سرمایه بین‌المللی و سرمایه محلی است، دست می‌زند.
- ۳- دولت پهلوی پس از کودتا با اجرای یک سیاست‌گزینشی، یک ائتلاف سیاسی را شکل می‌دهد، که در رأس این مثلث، نظامیان و در دو ضلع دیگر روشنفکران ارگانیک و بوروکراسی قرار داشته‌اند.
- ۴- دولت پهلوی در سالهای ۱۳۴۲-۱۳۳۲ به منظور "تعمیق سرمایه‌داری وابسته" به نخبگان نظامی و دیوان‌سالاری قدرتمند تکیه داشته‌است.
- ۵- دولت اقتدارگرایی پهلوی در سال ۱۳۴۲ پس از افزایش درآمدهای نفتی، که به قدرتمندی حکومت در مقایسه با سایر ائتلاف‌کنندگان رؤس سه‌گانه انجامیده‌است، از این رو با شکست مواجه شد.

۴ - حدود و اهداف پژوهش

الف) حدود پژوهش: بازه زمانی این پژوهش سالهای ۱۳۳۲-۱۳۴۲ را پوشش می دهد و از نظر مکانی کشور ایران، مورد نظر و تمرکز قرار گرفته است. و از لحاظ مفهومی بر زمینه ها و عملکرد دولت اقتدارگرای بوروکراتیک و دلایل عملکرد نامطلوب آن در ایران استوار است.

ب) اهداف پژوهش:

در کشورما نظریه پردازی در مورد دولت پهلوی با چالش های عمده ای روبرو بوده است که مربوط به تعدد نظریاتی است که داعیهی بررسی دولت پهلوی را داشته اند، که تفوق رویکرد اقتصادی و تأکید بر ماهیت غیر دموکراتیک دولت در ایران، جهت گیری اصلی بسیاری از نظریات را، به هم نزدیک می سازد. اما این تحقیق در صدد ارائه الگویی مستقل و جدید است که از تعمیم های عام و مجرد به دور است.

الف-اهداف علمی:

تحقیق حاضر به دنبال اهداف علمی زیر می باشد:

۱- بررسی ماهیت دولت پهلوی در سالهای ۱۳۳۲-۱۳۴۲

۲- بررسی دقیق و موشکافانه زمینه ها و عملکرد دولت اقتدارگرای بوروکراتیک در ایران

۲- بررسی نتایج نامطلوب دولت اقتدارگرای بوروکراتیک در ایران در مقایسه تطبیقی با آمریکای لاتین

ب- هدف کاربردی :